

## واکاوی شاخصه ها و اقسام سبک زندگی از دیدگاه رهبری

نوابه حسین پور زلتی<sup>۱</sup>، مجید نظر کرده<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران

۲- کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی اجتهاد

نام نویسنده مسئول:

نوابه حسین پور زلتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی شاخصه‌ها و اقسام سبک زندگی از دیدگاه رهبری انجام گرفته است. سبک زندگی، به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتارها و الگوهای منطبق بر ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، نقشی اساسی در شکل‌دهی به جامعه و هویت اجتماعی افراد ایفا می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات خود، بر اهمیت و تأثیرگذاری سبک زندگی در پیشرفت و استحکام جامعه تأکید ورزیده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رهبر انقلاب، سبک زندگی صحیح را مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و اسلامی می‌داند. از شاخصه‌های مهم سبک زندگی از دیدگاه ایشان پایداری به ارزش‌های اخلاقی و امور معنوی، متعهد بودن، راز دار بودن، امانت دار بودن، با نشاط بودن و... اشاره نمود. هم‌چنین اقسام سبک زندگی از نظر ایشان زندگی قرآنی و اسلامی، جهادی و شهادتی می‌باشد. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت شاخصه‌های مطرح شده در سبک زندگی و توجه به اقسام سبک زندگی از دیدگاه رهبری چراغ راهی برای رشد و پیشرفت افراد و جامعه می‌باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و استناد به منابع معتبر عهده دار پاسخگویی به سوال شاخصه‌ها و اقسام سبک زندگی از دیدگاه رهبری کدامند؟ می‌باشد.

واژگان کلیدی: سبک، زندگی، سبک زندگی، شاخصه، رهبری.

## مقدمه

سبک زندگی، به عنوان بازتاب تبلور ارزش‌ها، باورها، و عادات فکری و عملی افراد و جوامع، نقش حیاتی در تعیین مسیر زندگی انسان ایفا می‌کند. رهبری در بیانات مختلف، با نگاهی عمیق و آینده‌نگرانه به این موضوع، به تبیین و تشریح ابعاد مختلف سبک زندگی پرداخته است.

در این راستا، رهبر معظم انقلاب اسلامی، با نگاهی همه‌جانبه، بر ضرورت شناخت و اصلاح سبک زندگی تأکید داشته و آن را یکی از محورهای اصلی تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی کشور دانسته‌اند. ایشان سبک زندگی را نه صرفاً الگویی برای زندگی روزمره، بلکه به مثابه بنیانی برای تحقق هویت اسلامی-ایرانی و تقویت بنیان‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه تلقی کرده‌اند. درک این موضوع از منظر رهبری می‌تواند ما را به شناخت بهتر از روش‌های بهبود و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه رهنمون کند. بررسی دقیق و موشکافانه نظرات و دیدگاه‌های رهبری در این زمینه، این توانایی را به مخاطب می‌دهد که با بهره‌گیری از رهنمودهای ایشان، به ترویج الگوهای صحیح و کاربردی سبک زندگی پرداخته و به بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی کمک کند.

سبک زندگی از دیدگاه رهبری، نه تنها انعکاس‌دهنده ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مطلوب است، بلکه بستری برای رشد و توسعه همه‌جانبه جامعه فراهم می‌آورد. با توجه به نقش بی‌بدیل سبک زندگی در ارتقاء فردی و اجتماعی پژوهش حاضر به تبیین شاخصه‌ها و اقسام سبک زندگی از دیدگاه رهبری پرداخته است.

## مفاهیم

قبل از ورود به مباحث اصلی لازم است مفاهیم اصلی بیان شود؛ لذا بدان پرداخته می‌شود.

### سبک

سبک در لغت به معنای طرز و شیوه و روش و طور و قاعده است.<sup>۱</sup> سبک اثاثیه، شکل دادن یا طراحی چیزی تطابق با معیار شناخته شده، شیوه‌ای که براننده و متناسب پنداشته می‌شود، بخصوص در رفتار اجتماعی، نحوه عرضه، بخصوص در موسیقی یا یکی از هنرهای زیبا، و شیوه مشخص تعبیر در نوشتار یا گفتار.<sup>۲</sup> معانی دیگری نیز برای واژه «سبک» آمده است؛ از جمله: شیوه‌ای که در آن چیزی گفته یا انجام می‌شود، شیوه و روش انجام چیزی، بخصوص شیوه‌ای که برای فرد، گروهی از مردم، مکان یا دوره‌ای نوعی باشد، نوع تصور و فردیتی که در افعال و سلیقه‌های شخص ارائه می‌شود، طرز نگرش خاص فردی و سلیقه که بیانگر و ممیز راه زندگی است، و شیوه یا عادت متمایز رفتاری یا حرکت فرد.<sup>۳</sup>

### سبک زندگی

«سبک زندگی نظام واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام واره هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد».<sup>۴</sup> این تعریف به گونه‌ای هویت فرد را در برابر دیگران به نمایش می‌گذارد.

در تعریف دیگری، منظور از سبک زندگی چنین بیان شده است: «مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهایی که یک فرد به منظور تأمین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می‌گیرد. شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت و معرف شخصیت آن فرد است».<sup>۵</sup> تعریفی دیگر نیز آمده: «شیوه‌ای نسبتاً ثابت که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند».<sup>۶</sup> بنابراین سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌ها به منظور تأمین نیازها و اهداف مورد نظر افراد است.

<sup>۱</sup> حسن، عمید، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳، ذیل واژه

<sup>۲</sup> علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۴۱۲

<sup>۳</sup> محمدسعید، مهدوی کنی، «دین و سبک زندگی»، پژوهشنامه جامعه، ۱۳۸۶، ش ۱، ص ۱۲

<sup>۴</sup> احمد حسین، شریفی، همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، قم، معارف، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶

<sup>۵</sup> همان جا

<sup>۶</sup> محمد، کاویانی، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱، ص ۱۶

## سبک زندگی از دیدگاه رهبری

مقام معظم رهبری سبک زندگی را تابعی از تفسیر زندگی از نگاه آدمی دانسته و هدفی را که انسان در زندگی دنبال می کند، مولد سبک زندگی متناسب با آن هدف می داند: «سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می شود»<sup>۷</sup>

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوهی زیستن - اینها عبارةً آخرای یکدیگر است - این یک بُعد مهم است؛ این موضوع را میخواهیم امروز یک قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است.<sup>۸</sup> نتیجه اینکه رهبر انقلاب سبک زندگی را مجموعه‌ای از رفتارهای اجتماعی متناسب با شیوه‌ی زندگی و با اهداف معین می داند.

## شاخصه های سبک زندگی

سبک زندگی، به عنوان مجموعه‌ای از رفتارها و الگوهای زیستی که بر اصول و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی استوار است، نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به شخصیت فردی و اجتماعی انسان‌ها ایفا می کند. از آنجاکه جامعه مجموعه‌ای از افراد با باورها و سبک‌های زندگی متفاوت است، شناسایی و ترویج شاخصه‌های صحیح و مناسب سبک زندگی می تواند به انسجام و پیشرفت جامعه منجر شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی با درک این اهمیت، بارها به مفهوم و جایگاه سبک زندگی پرداخته‌اند و شاخصه‌هایی اساسی برای آن تبیین نموده‌اند. در این مبحث بدان پرداخته می‌شود.

## پایبندی به ارزش های اخلاقی و امور معنوی

یکی از امور فطری در سبک زندگی افراد گرایش به خداوند متعال است. حب به خداوند و تمایل به ذات الهی با انسان متولد می شود. رهبر انقلاب پیرامون این مساله می فرماید: یک نکته‌ی اساسی در اینجا وجود دارد که همه‌ی ما باید به آن توجه کنیم - بنده بیشتر از شما به توجه به این نکته احتیاج دارم؛ همه‌ی شما هم به اقتضای مسئولیت، احتیاج دارید - و آن، احساس تکلیف است؛ اخلاص نیت و عمل برای خداست. این اگر شد، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد، همه‌ی راه‌ها گشاده خواهد شد؛ این اگر شد، رحمت الهی و کمک الهی شامل حال خواهد شد؛ «ان تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»<sup>۹</sup> - همین آیاتی که الان تلاوت کردند - این اگر شد، توهم غلط انزهام در مقابل دشمن و تسلط دشمن از بین خواهد رفت. توکل به خدا، ارتباط با خدا - که ناشی از این نیت خالص است - همه‌ی مشکلات را حل میکند!

هم چنین می فرماید: آن‌جا که معنویت هست، ارتباط با خدا هست، اتصال هست، نسبت به فضل الهی باور هست، در مقابل خدا تسلیم هست، در پیشگاه پروردگار خضوع و تضرع هست. در آن‌جا دیگر ضعف و ترسی وجود ندارد. «الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لا هم یحزنون»!<sup>۱۰</sup> تأسفی هم وجود ندارد. وقتی ما برای خدا کار کنیم، اگر به حسب ظاهر پیشرفت کردیم، خشنودیم. اگر پیشرفت هم نکردیم، باز هم خشنودیم. چون برای خدا کار کرده‌ایم!

گرایش فطری به سوی خداوند در آیات الهی آمده و این چنین می فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» پس با گرایش به حق به این دین روی بیاور، (این)

<sup>۷</sup> بیانات در ۱۳۹۱/۷/۲۳

<sup>۸</sup> بیانات در دیدار جوانان، ۱۳۹۱/۷/۲۳

<sup>۹</sup> انفال، آیه ۲۹

<sup>۱۰</sup> بیانات در دیدار نمایندگان مجلس در ۱۳۹۱/۳/۲۴

<sup>۱۱</sup> یونس، آیه ۶۲

<sup>۱۲</sup> بیانات در دیدار کارگزاران حج در ۱۳۷۱/۲/۱۶

فطرت الهی است که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است، برای آفرینش الهی دگرگونی نیست، این است دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.<sup>۱۳</sup>

در این آیه فطرت خداجوی بشر و بعضی از ویژگی های آن بیان شده است. طبق این آیه، یکتاپرستی و خداجوئی جزء آفرینش انسان ها است. و طبیعت انسان اقتضا می کند تا در برابر مبدء غیبی که ایجاد، بقا و سعادت او را به دست دارد، خضوع کند و شوون زندگیش را با قوانین واقعی جاری در عالم هستی، هماهنگ نماید. دین فطری که مورد تاکید قرآن و سایر کتب آسمانی است، همان خضوع و همین هماهنگی است.<sup>۱۴</sup>

یکی از آثار گرایش به خداوند درک عبودیت است. عبودیت، خضوع تام در برابر خداوند و فنای در حضرت ربوبیت و القای انانیت، خودپرستی و همچنین تعلق به عزّ قدس الهی و انقطاع به سوی خداوند است.<sup>۱۵</sup>

«و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا» اگر شما در شک و تردید هستید از آنچه که ما بر بنده‌ی خود نازل کردیم؛ اینجا در عبارت عبدنا یک لطفی هست و آن اینکه در دو آیه قبل، رابطه‌ی دعوت با عبودیت است. «یا ایها الناس اعبدوا ربکم.»<sup>۱۶</sup> عبودیت کنید پروردگارتان را، گویی این سؤال پیش می‌آید که عبودت چگونه چیزی است؟ و عبد خدا چه انسانی است؟ آنوقت نمونه‌ی عینی نشان داده می‌شود: «نزلنا علی عبدنا». عبد یعنی همین کسی که اکنون در مقابل چشم شماس، تجسد و تجسم عبودیت همین کسی است که دارد این آیات را از سوی ما برای شما فرو می‌خواند. (وجود مقدس پیغمبر). «عبدنا» در حقیقت اشاره به این است که دعوت ما را که قبلاً گفتیم «اعبدوا ربکم» عبودیت کنید خدای خود را، یعنی حرکت کنید به سمت آن جایگاهی که این انسان والا و برجسته و شجاع به امانت و به صداقت و پاکی و زیبایی‌های معنوی در آن قرار دارد.<sup>۱۷</sup>

در حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «العبودیة جوهرة کنهها الربوبیه؛ عبودیت گوهری است که ربوبیت در درون آن نهفته شده است.»<sup>۱۸</sup>

اشاره به این که عبد تلاش و کوشش می‌کند که خود را در صفات شبیه به معبود سازد و پرتوی از صفات جلال و جمال او را در خود منعکس کند، و نیز انسان در سایه‌ی عبودیت به جایی می‌رسد که به اذن پروردگار می‌تواند در جهان تکوین، تدبیر و تصرف کند، و صاحب ولایت تکوینی شود، همان‌گونه که آهن سرد و سیاه بر اثر مجاورت با آتش، گرم و سرخ و فروزان می‌شود؛ این حرارت و نورانیت از درون ذات او نیست بلکه پرتو ناچیزی از آتش به او افتاده و به این رنگ در آمده است.

### متعهد بودن

یکی از مسائل مهم در سبک زندگی متعهد بودن است. رهبر انقلاب در اهمیت این مساله می‌فرماید: در قرآن کریم این صدق را، هم برای انبیاء عظام الهی لازم می‌شمرد: وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْ نوحٍ وَ ابرهیمَ وَ موسیٰ وَ عیسیٰ ابنِ مَریمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُم مِثْقاً غَلِيظاً، لیسئلَ الصّٰدِقِینَ عَنْ صِدْقِهِمْ اَلِیٰ پيامبر ما از تو پیمان گرفتیم و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پیمان گرفتیم - از همه‌ی پیغمبران پیمان گرفتیم - و این پیمان، پیمان بسیار محکم و غلیظی است - در لیسئل، "لام" به تعبیر ما طلبه‌ها "لام" عاقبت است - و نتیجه‌ی این پیمان این است که این پیغمبران بزرگ مورد سؤال قرار می‌گیرند از صدقی که در قبال این پیمان نشان دادند و به‌خرج دادند؛ یعنی پیغمبر ما و پیغمبران بزرگ الهی باید در پیشگاه پروردگار عرضه کنند میزان صداقتی را که در مقام اعمال این میثاق الهی به کار بردند؛ این مال پیغمبران؛ در مورد مردم معمولی و مؤمنین [هم می‌فرماید]:

<sup>۱۳</sup> روم، آیه ۳۰

<sup>۱۴</sup> محمد حسین، طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۲۹۹

<sup>۱۵</sup> روح الله، موسوی خمینی، سر الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام (رحمة الله)، ۱۳۸۸، ص ۸۸

<sup>۱۶</sup> بقره، آیه ۲۳

<sup>۱۷</sup> همان، آیه ۲۱

<sup>۱۸</sup> بیانات در تفسیر سوره بقره ۱۶/۲/۱۳۷۱

<sup>۱۹</sup> عبدالرزاق، گیلانی، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷، ص ۷

<sup>۲۰</sup> احزاب، آیه ۷

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا، لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ.<sup>۲۱</sup>

در قرآن کریم بر لزوم عمل به تعهدات فردی و اجتماعی تاکید شده است. در سوره اسراء آیه ۳۴ آمده است: «و اوفوا بالعهد أن العهد كان مسئولاً» همچنین در جای دیگر خداوند بر رد امانات امر نموده و آنرا موعظه ای حسنه نامیده است: «ان الله يأمرکم أن تودوا الأمانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل أن الله نعماً یعظکم به أن الله کان سمیعاً بصیراً»<sup>۲۲</sup> پایبندی به عهد و پیمانها لوازمی دارد؛ از جمله راستگویی و وفاق بین قول و عمل و حکمت نظری و عملی و نیز نهی از هر گونه خیانی و بی وفایی در تمام زمینه های مدیریتی و زندگی فردی و اجتماعی و با رعایت این لوازم است که حکم فرمایی بر دلها حاصل می شود. و قای به عهد از نشانه های افراد نیکوکار است: «و الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می کنند»<sup>۲۳</sup>. «...و الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا...»... کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند- وفا می کنند...<sup>۲۴</sup> نشانه ی صداقت، عمل به وظایف دینی و تعهدات اجتماعی است. «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا»<sup>۲۵</sup> حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «ان الوفاء بالعهد من علامات اهل الدین؛ وفای به عهد از نشانه های مردم متدین است»<sup>۲۶</sup> در حدیث دیگری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «لا دین لمن لا عهد له؛ کسی که پای بند به پیمان خود نباشد دین ندارد»<sup>۲۷</sup>

وفای به عهد و پیمان، یکی از اصول اساسی سبک زندگی و پایه و اساس روابط انسانی است که پایبندی به آن، باعث انسجام و انتظام امور، قوت و قدرت ملت و مملکت می شود و در مقابل، شکستن و نقض آن، عوارض و مشکل های بسیاری را به دنبال دارد که گاهی این عوارض و مشکل ها به اصل و بنیان جامعه ضرر وارد می کند و باعث از بین رفتن و نابودی آن می شود. از این رو، دین مبین اسلام که همواره درصدد سربلندی و سعادت انسان در دو جهان است، به مواظبت و پایبندی به آن (عهد و پیمان) بسیار تأکید کرده و از نقض و شکستن آن به شدت نکوهش کرده است.

### راز دار و امانت دار بودن

رازداری و محافظت از اسرار خویش و همچنین اسرار دیگران که به عنوان امانت در اختیار انسان قرار دارد، یکی از مهمترین و کلیدی ترین فضائل اخلاقی در بُعد فردی و اجتماعی به حساب می آید. این خصلت از صفات الهی نشأت گرفته، و نماد رشد و شخصیت محسوب می شود. این حکم، تمامی مسائل از اسرار شخصی و خانوادگی گرفته تا اسرار عقیدتی و حکومتی را شامل می شود که ضامن سعادت، ایمان، امنیت و آزادی انسان در انتخاب سرنوشت می باشد. رهبر انقلاب درباره امانتداری و راز داری می فرماید: «لا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ»؛ ذر امانت خیانت نکنید. امانت فقط پولی نیست که شما دست بنده دارید؛ مقامی هم که، مسئولیتی هم که به وسیله شما به من داده شده امانت است. اگر چنانچه این امانت را درست عمل نکنم، خیانت در امانت است. ببینید شما اگر همین یک دستور را ما عمل بکنیم، چه اتفاقی خواهد افتاد. بنابراین آنچه قرآن برای ما دارد، عبارت است از این دستورات عملی کاربردی.<sup>۲۸</sup>

<sup>۲۱</sup> احزاب آیه ۲۳

<sup>۲۲</sup> بیانات در ۱۳۹۲/۸/۲۹

<sup>۲۳</sup> نساء، آیه ۵۸

<sup>۲۴</sup> بهرام، دلیر، "ویژگی کارگزاران در حکومت نبوی"، مجموعه مقالات سیره سیاسی پیامبر، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵

<sup>۲۵</sup> مومنون، آیه ۸

<sup>۲۶</sup> بقره، آیه ۱۷۷

<sup>۲۷</sup> محسن، قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۷۱

<sup>۲۸</sup> محمدباقر، مجلسی، سفینه البحار، بی جا، کوثر، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۶۷۵

<sup>۲۹</sup> همو، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۲

<sup>۳۰</sup> انفال، آیه ۲۷

<sup>۳۱</sup> بیانات در ۱۳۹۹/۲/۶

آن کسی که بیشتر از همه اداء امانت میکند؛ که مکرر عرض کرده‌ایم که امانت فقط این نیست که حالا یک پولی شما دست بنده بسپرد، بنده آن را به شما برگردانم؛ این یکی از انواع امانت است. همه‌ی آن چیزهایی که مردم به ما می‌سپردند، امانتهای مردم است؛ مقام را به ما می‌سپردند، امانت را به ما می‌سپردند، دینشان را به ما می‌سپردند، حفظ نوامیسشان را به ما می‌سپردند؛ همه‌ی این چیزها امانتهای مردم دست ما است. ما حکومتیم دیگر؛ هر کسی هر جا هست؛ یکی مثل بنده در یک جایگاهی قرار دارد، یکی در جایگاه دیگری قرار دارد، یکی قاضی است، یکی مسئول تعلیم و تربیت است، یکی امام جماعت است؛ همه‌ی اینها امانتهایی است که دست ما سپرده است؛ اداء امانت. هر کدام بهتر اداء امانت کردید، آنجا جایتان به حضرت نزدیک‌تر است و امانتتان بیشتر است.<sup>۳۲</sup>

رازداری، فضیلتی اخلاقی است که به حفظ اسرار و رازهای مگوی دیگران در نزد افراد دیگر اطلاق می‌شود؛ از همین رو واژه «سر» به معنای در میان گذاشتن امری پنهانی به دیگری و سفارش به پنهان داشتن آن، شایع‌ترین لفظ در تفهیم معنای «رازداری» به حساب می‌آید، به صورتی که سر و مشتقات آن مجموعاً ۳۳ مرتبه در قرآن کریم در معنای مخفی کردن شیء‌ای به کار رفته است؛ چنانچه در آیه‌ای از آیات کتاب عزیز می‌خوانیم: «يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و از آنچه پنهان یا آشکار می‌کنید، با خبر است و خداوند از آنچه در درون سینه‌هاست، آگاه است». آاین واژه در اغلب استعمالات خود به معنای سخن پنهانی یا راز باطنی افراد به کار گرفته شده است.

گذشته از آنکه رازداری یک فضیلت اخلاقی به شمار می‌آید، در نیک‌بختی انسان‌ها نیز تاثیر مستقیم و بسزایی دارد؛ چنانچه در حدیثی از امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ بِالرَّأْيِ وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ؛ پیروزی و نیک‌بختی به محکم‌کاری وابسته است و آن هم به‌اندیشه بستگی دارد و اندیشه نیز به نگاه‌داری رازهاست»<sup>۳۳</sup>. امام (علیه‌السلام) در این گفتار حکیمانه و پرمایه، در سه جمله کوتاه رمز پیروزی در کارها را بیان می‌کند و پس از اشاره به دو قدم اول، یعنی تدبیر و تفکر، به اهمیت رازداری و حفظ اسرار اشاره کرده و آن را شاه کلید دست‌یابی به موفقیت معرفی می‌کند. اما اینکه رازداری وسیله‌اندیشه درست است، از آن‌روست که فاش کردن راز در تصمیمات جنگی باعث اطلاع دشمن از آن و اقدام متقابل و موجب به هم ریختن آنها می‌گردد. که این خود ناشی از تفکر غلط و اشتباه است، همچنان‌که در سائر حوزه‌های تصمیم‌گیری نیز همین رویه برقرار است؛ و اما اینکه به کار انداختن فکر در انتخاب مورد مصلحت، باعث دوراندیشی می‌گردد، از آن جهت می‌باشد که اگر فکر به کار نیافتد، ممکن است کاری که پیش از رخدادها انجام می‌گیرد با آنها هماهنگی نداشته باشد و اما اینکه دوراندیشی باعث پیروزی است امری وجدانی و غیر قابل انکار می‌باشد.<sup>۳۴</sup>

نتیجه اینکه رازداری و امانتداری از مهم‌ترین فضائل اخلاقی است که باید در سبک زندگی انسان گنجانده شود تا از آسیب‌ها و خطرات جلوگیری نماید و این امر در تمام ابعاد زندگی انسان کاربرد دارد.

### نشاط داشتن

شادی و نشاط در قرآن کریم اغلب با واژه‌هایی چون فرح، فرحوا، تفرحوا، تفرحون، فرحون و فرحین آمده است. همچنین در قرآن واژگانی آمده است که هر کدام به بُعدی از مفهوم شادکامی اشاره دارد: طمأنینه، سرور، لذت، أمن، سکینه، فکه، حبر، نضره، ناعمه، راضیه، ضحک، بهجت، نشره، نشاط، عیش، اهنأ، بشاشه و... . مفهوم شادی در مجموع حدود ۲۵ بار با واژه‌های گوناگون در قرآن تکرار شده است. در برخی آیات، مؤمنان به شادی و خوشحالی دعوت شده‌اند و در بعضی دیگر، کسانی به سبب موقعیت و انگیزه خاصشان، از آن شادی نکوهش یا باز داشته شده‌اند.

نشاط اگر در مسیر صحیح باشد و منجر به گناه نشود، عامل محرک انسان است. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: جوان یک کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش‌برنده‌ای آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سر حال، بانشاط، تندرست، قوی و دل‌بسته‌ی

<sup>۳۲</sup> بیانات در شرح حدیث اخلاق ۱۳۹۷/۸/۲۸

<sup>۳۳</sup> تغابن، آیه ۴

<sup>۳۴</sup> نهج‌البلاغه، حکمت ۲۹

<sup>۳۵</sup> . کمال‌الدین میثم‌بن‌میثم، بحرانی، شرح نهج‌البلاغه، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۵۴

به کار و پیشرفت باشد. دین به شما شور و نشاط و طراوت و تازگی میبخشد. دین به شما این روحیه را میدهد که در مقابل چشمتان همه‌ی قدرتهای مادی، کوچک و حقیر بشوئد.

شادی در قرآن جایگاهی ویژه دارد و به گونه‌های مختلف کانون تأیید و توجه قرآن قرار گرفته است. البته نه شادی بیپوده و عبث، بلکه شادی همراه با اهداف الهی و انسانی. از این روی، آیات قرآن درباره شادی دو دسته اند: دسته‌ای از آیات، مؤمنان را به شادی دعوت کرده اند؛ مانند: «ای رسول خدا، به مردم بگو که شما باید تنها به فضل و رحمت خدا شاد شوید و از نزول قرآن خوشحال باشید که آن، از ثروتی که برای خود می‌اندوزید، بهتر و مفیدتر است».<sup>۳۸</sup>

از امام علی (علیه‌السلام) روایت شده است که: «الْهَمُّ نَصْفُ الْهَرَمِ؛ حزن و اندوه نصف پیری و درهم شکستگی است».<sup>۳۹</sup> به طور کلی همان گونه که بدن انسان برای ادامه حیات به آب، هوا و غذا نیاز دارد روح آدمی نیز نیازمند عنصری برای ادامه حیات است که این عنصر نشاط و شادی است. با توجه به آیات و روایات شادی و نشاط چنانچه مخالف اوامر الهی نباشد مطلوب و سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود.

### عاقبت اندیش بودن

آینده نگری و دوراندیشی یکی از مهم‌ترین فضائل اخلاقی است. انسان دوراندیش و با برنامه می‌تواند علاوه بر خود به دیگران نیز نفع و سود برساند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای به خوبی دور اندیشی و آینده نگری را در سیاستهای کلان نظام پیاده نمودند. ایشان بارها و بارها تلاش نمودند جامعه را نیز به سمت این آینده اندیشی و دورنگری سوق دهند که به نمونه‌هایی از آن در ادامه اشاره می‌گردد. ایشان در بیاناتی مفصل به این مسئله اشاره کرده و در بخشهایی میفرمایند: ما امروز داریم فکر روزی را میکنیم که کشور ما نفت نداشته باشد؛ انرژی انرژی بدون نفت کشوری که نفت ندارد، شاید در منابع دنیا هم نفت باقی نماند دنیا دارد فکر انرژی آن روز را میکند ما هم با این درد سرهائیکه ملاحظه میکنید ایستاده ایم برای اینکه آن آینده را امروز تأمین کنیم. اگر نکنیم آنروزیکه نفت تمام میشود، ما نیستیم، اما اثر سوء این عمل ما آنروز خواهد بود ما مسئول خواهیم بود.<sup>۴۰</sup>

ایشان ضمن تأکید بسیار بر توجه به آینده و برنامه ریزی جوانان برای آینده شان می‌فرمایند: آنچه مهم است این است که نگاه نسل نوهمه‌ی کسانی که نیروی جوانی را در خدمت به اهداف آرمانهای بلند میخواهند باید به آینده‌های روشن و دور باشد فقط جلوی پای خودمان را نبینیم - آینده‌ی دور ایجاد تمدن اسلامی است؛ تمدن نوین متناسب با نیازها و ظرفیتهای امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرنهای اخیر زخم خورده است مجروح است غمگین است و نسلهای جوان آن دچار یأس و نومیدی و افسردگی اند. اسلام میتواند این نسلها را به آفاق جدیدی برساند دلهای آنها را شاد کند و آنها را آن چنان که متناسب و شایسته‌ی کرامت انسان است، کرامت ببخشد؛ تمدن نوین اسلامی یعنی این و شما هسته‌های مهم و اساسی و اصلی در ایجاد این تمدنید آینده متعلق به شما است. سازندگان آینده کشور و آینده‌ی این تمدن و در واقع آینده، جهان شما جوانهای امروزید.<sup>۴۱</sup>

خاستگاه نگاه به آینده در اسلام صرفاً حفظ بقا و کسب رفاه مادی نیست؛ بلکه با هدایت، وحی سعی در تعالی و تکامل به سوی قرب الی الله و جانشینی خدا دارد در قرآن اهل ایمان ملزم به نگاه به آینده هستند و باید نحوه زندگی خود را در این دنیا برای ورود به آینده چه دنیا چه آخرت) تنظیم کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ».<sup>۴۲</sup>

<sup>۳۶</sup> بیانات در ۱۴/۳/۱۳۸۷

<sup>۳۷</sup> بیانات در ۱۲/۸/۱۳۸۸

<sup>۳۸</sup> یونس، آیه ۵۸

<sup>۳۹</sup> حسن بن علی ابن شعبه، تحف العقول، بی جا، دار الحدیث، ۱۳۹۳، ص ۲۱۴

<sup>۴۰</sup> بیانات در ۸/۹/۱۳۸۶

<sup>۴۱</sup> بیانات در ۳۱/۲/۱۳۹۳

<sup>۴۲</sup> حشر، آیه ۱۸



عن النبي (صلى الله عليه وآله): و أحزم الناس أكظمهم للغيظ و أصلح الناس أصلحهم للناس و خير الناس من انتفع به الناس. حزم به معنای دوراندیشی و احتیاط و رعایت همه جوانب زندگی است. حازم کسی است که هر قدمی که برمی دارد، هر حرکتی که انجام می دهد، همه جوانب آن را ملاحظه می کند. پرواضح است که توجه به آینده و برنامه ریزی برای آن نه تنها جزئی از دوراندیشی های رهبران انقلاب بوده و بلکه دیگران را نیز به آن سفارش نموده اند و این دور اندیشی سبکی از زندگی اسلامی است.

### صبر و مقاومت داشتن

عام ترین و مهم ترین صفت انسانی بازدارنده «صبر» است. «صبر» در لغت عرب به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است<sup>۴۴</sup> و برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی تابی و بی قراری دانسته اند.<sup>۴۵</sup> گذر فرهنگ اخلاقی، صبر عبارت است از وادار نمودن نفس به انجام آنچه که عقل و شرع اقتضا می کنند و بازداشتن از آنچه عقل و شرع نهی می کنند. بجا توجه به تعاریف مذکور، «صبر» یک صفت نفسانی بازدارنده و عامی است که دارای دو جهت عمده است: از یک سو گرایش ها و تمایلات غریزی و نفسانی انسان را حبس و در قلمرو عقل و شرع محدود می کند؛ از سوی دیگر نفس را از مسئولیت گریزی در برابر عقل و شرع بازداشته و آن را وادار می کند که زحمت و دشواری پایبندی به وظایف الهی را بر خود هموار سازد. البته این حالت اگر به سهولت و آسانی در انسان تحقق یابد به آن «صبر» و هرگاه فرد خود را با زحمت و مشقت بدان وادار سازد، «تصبر» می گویند. استقامت در مفهوم قرآنی آن اصطلاحی برای پایداری در دین و مسیر حق در برابر کژی هاست.<sup>۴۷</sup>

با توجه به موارد کاربرد استقامت و صبر در قرآن، استقامت به معنای پافشاری و پایداری در اصل دین و ارزشهای دینی و عدم انحراف از راه حق به بیراهه های کفر و شرک و نفاق است که بیشتر بعد فکری و عقیدتی در آن لحاظ شده است و صبر به معنای شکیبایی در برابر سختیهای اطاعت و دشواریهای مصائب و عدم تمکین در برابر طغیان شهوت است که بیشتر در مقام عمل متصور است.<sup>۴۸</sup>

توجه به مساله استقامت و صبر در بیانیه گام دوم انقلاب نیز مورد توجه واقع شده است: «انقلاب اسلامی، تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان هایش، پشت سر نهاده و تنها انقلاب صیانت کننده از کرامت خود و اصالت شعارهایش در برابر همه وسوسه های به ظاهر مقاومت ناپذیر است»<sup>۴۹</sup>

مفهوم صبر و وظیفه ی صبر در جاهای مختلف قرآن بیان شده است اما آنچه مورد توجه است دعوت به صبر برای پیغمبر زیاد است؛ بیش از ده مورد — شاید حدود بیست مورد — خطاب به پیغمبر در مورد صبر آمده است. مهم این است که از اول بعثت، خدای متعال دستور صبر به پیغمبر داده است؛ وَ لَرَبِّكَ فَاصْبِرْ، وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ؛<sup>۵۱</sup> سوره ی مدثر و مزمّل جزو اولین سوره هایی است که بر پیغمبر نازل شده — از همان قدم اول، خدای متعال به پیغمبر میگوید باید صبر داشته باشی و ایشان امر به صبر شده: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ»<sup>۵۲</sup> موارد متعدّد دیگر. صبر یعنی چه؟ صبر یعنی پایداری. معروف است، در روایات متعدّد هم

<sup>۴۳</sup> . مرتضی، فیض کاشانی، الشافی فی العقائد و الاخلاق و الاحکام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹، ص ۸۲۲

<sup>۴۴</sup> . مرتضی، زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۷۱؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ص ۴۷۴

<sup>۴۵</sup> . اسماعیل بن حماد، جوهری، صحاح اللغة، بیروت، دار العلم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۰۶؛ طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۰۰۴

<sup>۴۶</sup> . حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۷۴

<sup>۴۷</sup> . محمد طاهر، ابن عاشور، التحریر و التنویر، بیروت، التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۸۲.

<sup>۴۸</sup> . محمد بن یعقوب، فیروز آبادی، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، قاهره، احیاء التراث الاسلامی، بی ج، ص ۳، ص ۳۷۱.

<sup>۴۹</sup> . بیانیه گام دوم انقلاب

<sup>۵۰</sup> . مدثر، آیه ۷

<sup>۵۱</sup> . مزمّل، آیه ۱۰

<sup>۵۲</sup> . قلم، آیه ۴۸



هست که صبر تقسیم میشود به صبر عن المعصیة، صبر علی الطاعة و صبر در مقابل حوادث.<sup>۵۳</sup> صبر یعنی پایداری؛ در مقابل میل به گناه، انسان پایداری کند؛ در مقابل بی حالی و بیکاری و تنبلی به انجام وظیفه، انسان پایداری کند؛ در مقابل دشمن پایداری کند؛ در مقابل مصائب گوناگون، خودش را حفظ کند، نفوسش را حفظ کند، پایداری کند؛ این معنای صبر است؛ صبر یعنی پایداری. ما امروز بیش از همه چیز احتیاج داریم به پایداری.<sup>۵۴</sup>

شما مسئولینی که در اینجا تشریف دارید و مسئولین کشور در همه‌ی رده‌ها، آنچه از همه چیز برایتان مهم‌تر است صبر است. بایستی پایداری کنید، مقاومت کنید، فشارها را تحمل کنید، مشکلات را تحمل کنید و راه را ادامه بدهید؛ متوقف نباید بشوید. لازمه‌ی صبر و پایداری برای من و شما که مسئولیم در این کشور، این است که متوقف نشویم؛ حرکت نباید توقف پیدا کند، باید ادامه پیدا کند؛ این صبر است. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛<sup>۵۵</sup> این میشود پیروی از پیغمبر.<sup>۵۶</sup>

یک توصیه که توصیه‌ی مهمی است، این است که شما که بحمدالله ویژگی‌های خوبی دارید: انقلابی هستید، پُر تلاش هستید، پُر توان هستید، دنبال کار هستید؛ این ویژگی‌ها را حفظ کنید، این ویژگی‌ها را تا آخر دوره نگه دارید. حالا «تا آخر عمر» باید گفت، اما لااقل تا آخر دوره این ویژگی‌ها را نگه دارید. خیلی‌ها بودند که در اول کار همین جور خصوصیات را داشتند، انقلابی بودند، پُر توان بودند، پُر انرژی بودند، با حرارت حرف میزدند، با حرارت کار میکردند، لکن به مرور زمان نتوانستند در مقابل وسوسه‌ها مقاومت کنند؛ وسوسه‌ی مال، وسوسه‌ی مقام، وسوسه‌ی شهرت، وسوسه‌ی نام و نشان. نتوانستند مقاومت کنند، راه کج شد، رفتار عوض شد، گاهی به ۱۸۰ درجه اختلاف با اول کار منتهی شد. لذا می‌بینید خدای متعال در قرآن میفرماید: اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةُ تَنْزِلُ مَلٰٓئِكَةُ رَحْمٰتِ الْهٰی مَالِ اَنْ كَسَانِیْ اَسْتَقَامَیْ a

اول رکن ایمان، ایستادگی و استقامت در همه‌ی زمینه‌هاست، می‌خواهید برنامه‌ای را دنبال کنید؛ تا آخر پای آن برنامه بایستید، می‌خواهید کاری را انجام دهید؛ آن کار را تمام کنید. اگر مصیبتی پیش می‌آید، در مقابل آن مصیبت خودتان را از دست ندهید. واجبی بر شما مقرر می‌شود؛ برای انجام دادن واجب تحمل داشته باشید و بی‌حوصله و از پا افتاده نشوید. اگر در مقابل گناهی قرار می‌گیرید، ایستادگی کنید و تسلیم گناه نشوید. ایستادگی در هر جایی نمودی دارد. البته معنای ایستادگی، در همه جا یکی است؛ یعنی همان قوت انسانی و استقامت و پافشاری؛ منتها هر جایی یک طور خودش را نشان می‌دهد: صبر در مقابل اطاعت، صبر در مقابل معصیت، صبر در مقابل مصیبت.<sup>۵۹</sup>

پس صبر کردن یعنی تسلیم نشدن، دچار ضعف نشدن، دچار تردید نشدن، با شجاعت و عقل جلوی دشمن را گرفتن و دشمن را مغلوب کردن، که آن وقت در قرآن میفرماید: اِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ؛<sup>۶۰</sup> ده نفر شما با صد نفر و بیست نفر شما با دویست نفر از آنها میتوانید روبه‌رو بشوید و غلبه کنید؛ این در یک شرایطی است؛ در یک شرایطی ده برابر، در یک شرایطی دو برابر، میتوانید شما با آنها مواجه بشوید.<sup>۶۱</sup>

بنابراین انسان با اتکاء به صبر می‌تواند در برابر سختی‌ها و مشکلات ایستادگی کند و بر قدرت معنوی خویش بیفزاید. زیرا یکی از کارکردهای صبر، تسریع حرکت آدمی در رسیدن به آمال و اهدافش، به دلیل از بین بردن موانع است. برخورد انسان در مواجهه با مسائل و مشکلات منجر به کشف قدرت پنهان و ظرفیت بالای استعداد می‌شود و با این قدرت معنوی می‌تواند به رشد

<sup>۵۳</sup> . محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۳۹

<sup>۵۴</sup> . بیانات در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۰/۸/۲

<sup>۵۵</sup> احزاب، آیه ۲۱

<sup>۵۶</sup> .بیانات در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۰/۸/۲

<sup>۵۷</sup> فصلت، آیه ۳۰

<sup>۵۸</sup> .بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۳/۶

<sup>۵۹</sup> . بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۸/۲۰

<sup>۶۰</sup> انفال، آیه ۶۵

<sup>۶۱</sup> .سخنان نوروری خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۹/۱/۳

و کمال برسد. صبر و استقامت یکی از عوامل مهم در سبک زندگی افراد است که توجه بدان عامل مهمی در رشد و کمال انسان است.

### استقلال فرهنگی

خودباوری و استقلال کشور یکی از عوامل مهم در سبک زندگی اجتماعی است. انقلاب اسلامی از کسانی که خود را در برابر بیگانگان باخته بودند، مردانی با شخصیت و مستقل ساخت که با توکل به خدا، تکیه بر استعدادها و بهره گیری از نیروهای درونی خویش توانستند روی پای خود بایستند و در بسیاری از زمینه ها، موفقیت های چشم گیری به دست آورند که بر افراد آگاه پوشیده نیست.<sup>۶۲</sup>

استقلال از نظر لغوی از باب استفعال، با کلمات قلیل، تقلیل و قلت مرتبط است. بر همین اساس، به معنای کم کردن و به حداقل رساندن می باشد.<sup>۶۳</sup> آن رو که استفعال به معنای طلب فعل است، با توجه به ریشه لغوی، استقلال به معنای قصد کم کردن، تحلیل بردن و به حداقل رساندن به کار می رود. فرد یا جامعه و ملت استقلال طلب خواستار به حداقل رساندن و تحلیل بردن وابستگی ها و اتکا به بیگانگان است.

رهبر انقلاب درباره اهمیت استقلال می فرماید: متأسفانه برخی جوانان قبل از انقلاب به عشرتکده ها، فساد و فحشا کشیده می شدند و به خودباوری و معنویت نمی اندیشیدند. رژیم شاه بسیار تلاش کرد تا جوان ایرانی را از مسیر دین خارج سازد و به یک جوان غربی تبدیل کند. مجلات، روزنامه ها، رادیو و تلویزیون، به شکل مخدر توان جوانان را می گرفتند. رژیم با احداث کاخ جوانان و سازمان های پیشاهنگ و... می کوشید هویت جوانان ایرانی را تغییر دهد، اما انقلاب اسلامی نیروی زوال ناپذیر جوانان و نقش اعجاز آمیز آنان در روند احیای اندیشه دینی را متحول کرد. در رژیم پهلوی همان گونه که برخی جوانان به فساد کشیده شده بودند، دیگر مردمان نیز مأیوس، سرخورده و خودباخته بودند. این وضعیت در جامعه ایرانی، ریشه در دوران قاجار و شکست های ایران از روسیه، ناکامی در عرصه مشروطه و سیطره روزافزون قدرت های خارجی بر کشور ایران، به ویژه در دوران ۵۷ ساله رژیم پهلوی داشت؛ از این رو نسبت به دیگران احساس مسئولیت نمی کردند، اما با پیروزی انقلاب، روحیه ایثار، تقوا، مناعت و قناعت در میان آنان زنده شد. در زمان کمبودها حتی امام به همان میزان جیره بندی که برای همگان وجود داشت، اکتفا و از گوشت یخ زده های استفاده می کرد که فقیر ترین افراد جامعه از آن بهره می بردند.<sup>۶۴</sup>

خودباوری نقطه مقابل سلطه پذیری است. آنچه در دین مطرح می شود نفی سلطه است، که انسان اگر می خواهد خودش باشد باید دیگران که همدریف شما هستند بر شما سلطه پیدا نکنند. اگر در جامعه فردی را در نظر بگیریم که سلطه پذیر نیست، تحمیلی، القایی و تلقینی از ناحیه همدریف ها بر او نمی شود، باید ببینیم که آیا ارتباطش با خدا واقعاً او را از خودباوری می اندازد. آموزه های دینی، آن جا که تقویت و تثبیت توحید است، نفی نیروهایی است که در کنار خدا بر انسان تحمیل می شوند. قرآن می فرماید: «أَرَبَابٌ مَّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»<sup>۶۵</sup> و یا می فرماید: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاقِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا.»<sup>۶۶</sup> آین کسی است که از نیروها و موج های مختلف سلطه پذیری دارد؛ به دلیل آن که هر کدام از این ها در برهه ای مطرح می شوند و برجسته می شوند.<sup>۶۷</sup>

رهبر معظم انقلاب در زمینه اهمیت استقلال فرهنگی می فرماید: من عرض میکنم که امروز در دنیای کنونی، هر حرکتی، هر اقدامی، هر حرفی که در جهت استقلال سیاسی کشورها و ملتها [باشد]، در جهت استقلال فرهنگی کشورها و ملتها باشد، در جهت استقلال و رشد اقتصادی کشورها و ملتها باشد، در جهت وحدت باشد، در جهت اقتدار امت اسلامی باشد، در جهت ترویج

<sup>۶۲</sup> حسین، اسحاقی، ارمغان انقلاب: تلخیصی از نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، قم، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی،

۱۳۸۶، ص ۱۰۲

<sup>۶۳</sup> محمد جواد، منصور، فرهنگ استقلال توسعه، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص ۵۵.

<sup>۶۴</sup> علی رضا، انصاری، «دستاوردهای اخلاقی و معنوی انقلاب اسلامی»، ره توشه، ش ۴، ۱۳۹۹، ص ۴۸

<sup>۶۵</sup> یوسف، آیه ۳۹

<sup>۶۶</sup> زمر، آیه ۲۹

<sup>۶۷</sup> مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمة الله)، نشریه معرفت، قم، ش ۷۶، ۱۳۸۳، ص ۵

علم در دنیای اسلام باشد، در جهت رشد دادن جوانهای دنیای اسلام باشد، هر حرکتی در این جهت عمل صالح است، حسنه است.<sup>۶۸</sup>

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به زودی خدای رحمان برای آنان محبتی (در دلها) قرار می‌دهد.»<sup>۶۹</sup>

رهبران ایران همیشه به خودباوری تأکید داشته و خودباختگی را منشأ همه گرفتاری‌های کشور خوانده و با ایجاد امید و انگیزه، شعار «ما می‌توانیم» را جایگزین ناامیدی ملت ایران کرده‌اند. با عملی کردن این شعار در سطح جامعه، ایران را به سمت پیشرفت‌های بسیار بزرگی در جهان پیش برده و موجب بالندگی و پایداری آن شده‌اند. رهبر در بیانیه گام دوم انقلاب، به آثار مثبت خودباوری اشاره می‌فرماید: «مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل "ما می‌توانیم" که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید.»<sup>۷۰</sup>

استقلال در تصمیم‌گیری فردی و اجتماعی، از ارزش‌های مهم و حساس و عامل عزت و سربلندی است. هرکس به جهت نفس استعلا خواهی و استخدام‌گریزی می‌کوشد تا مستقل باشد و وابستگی خود را نسبت به دیگری کاهش دهد و از میان بردارد. یکی از جنبه‌های استقلال فرهنگی، عدم تقلیدگرایی در سبک زندگی است، همانطور که قرآن کریم می‌فرماید: کفار دوست دارند شما هم مثل آنها شوید و دوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً؛<sup>۷۱</sup> مقام معظم رهبری هم به شدت از تقلیدگرایی از سبک زندگی غربی انتقاد میکنند زیرا فرهنگ غربی را فرهنگی تهاجمی می‌دانند. به تعبیر دیگر فرهنگی فساد آفرین است و در این راستا می‌فرمایند: بعضی به مجرد اینکه اسم غرب و تمدن غرب و شیوه‌های غرب و توطئه غرب و دشمنی غرب می‌آید حمل میکنند بر غرب ستیزی، آقا، شماها با غرب دشمنید. نه، ما با غرب پدرکشتگی آن چنانی نداریم البته پدرکشتگی داریم غرض نداریم. این حرف، بررسی شده است. تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده حتی آن کشورهایی که به ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب فرهنگ نابود کننده فرهنگ‌هاست هر جا غریبها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیادهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجایی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی: اگر زبان رقیبی وجود داشت آن را از بین بردند.<sup>۷۲</sup>

رهبر انقلاب استقلال فرهنگی را بالاترین نوع استقلال میدانند و یکی از جنبه‌های بسیار مهم برای رسیدن به استقلال فرهنگی، پرهیز از تقلیدگرایی و تمسک به ارزشهای درونی جامعه است در این راستا سبک زندگی را محلی می‌داند که میتوان نمود ارزشهای جامعه را در آن مشاهده کرد زیرا سبک زندگی متعالی هم از لحاظ نگرشی و هم از لحاظ رفتاری سازنده بستر فرهنگی جامعه و در نتیجه، استقلال فرهنگی است.

### اقسام سبک زندگی از دیدگاه رهبری

بی‌گمان سبک‌سازی برای زندگی اسلامی، می‌بایست بر پایه فرهنگ و الگوهای فرهنگی استنباط شده از آموزه‌های اصیل اسلامی استوار باشد. پیشرفت اسلامی و تمدن نوین اسلامی، که مقام معظم رهبری در بحث سبک زندگی بر آن تأکید دارد، در گرو این گونه سبک‌سازی است. به همین سبب این موضوع توجه و اقبال جدی لازم دارد. زیرا امروز که امکانات جمعی و سرمایه‌های انسانی در اختیار است، هیچ عذری در کوتاهی برای تمدن‌سازی و پیشرفت جامعه اسلامی پذیرفته نیست. توجه به این امور اهمیت و حساسیت سبک‌سازی را می‌افزاید و آن را در تراز مسائل استراتژیک می‌نشانند: «اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در

<sup>۶۸</sup> بیانات در ۱۳۹۸/۸/۲۴

<sup>۶۹</sup> مریم، آیه ۹۶

<sup>۷۰</sup> بیانیه گام دوم انقلاب

<sup>۷۱</sup> نساء، آیه ۸۹

<sup>۷۲</sup> بیانات در ۱۳۹۱/۷/۲۳

صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم. باید دنبال این بخش، زیاد کار کنیم؛ زیاد تلاش کنیم». اگر این گفتار به بررسی اقسام سبک زندگی نظیر زندگی قرآنی، جهادی، شهدایی از دیدگاه رهبری پرداخته می‌شود.

### زندگی قرآنی و اسلامی

بهره مندی از رهنمون‌های قرآن کریم زمینه ساز سبک زندگی اسلامی است، چنانچه رهبری می‌فرماید: قرآن، هم کتاب علم و معرفت است یعنی دل را و اندیشه‌ی انسانی را سیراب میکند - قرآن برای آن کسانی که اهل معرفت‌آموزی هستند یک سرچشمه‌ی تمام‌نشدنی است - لکن علاوه‌ی بر اینها قرآن دستور زندگی هم هست؛ قرآن علاوه‌ی بر جنبه‌ی معرفتی و معرفت‌آموزی دستورات کاربردی دارد برای زندگی؛ یعنی محیط زندگی را آباد میکند، زندگی را از امنیت و سلامت و آسایش برخوردار میکند. یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام راه‌های سلامت را، راه‌های امنیت را، راه‌های آسایش در زندگی را به انسانها نشان میدهد. انسانها در طول تاریخ دست‌به‌گریبان ظلم و تبعیض و جنگ و ناامنی و لگدمال شدن ارزشها بوده‌اند، امروز هم هستند؛ راه علاج اینها قرآن است. اگر به قرآن عمل کنیم همه‌ی این مشکلات برطرف میشود.

مشکلات هر جامعه‌ای با قرآن حل خواهد شد. با معارف قرآنی، مشکلات حل میشود. قرآن راه‌حل معضلات زندگی بشر را به فرزندان آدم هدیه میکند؛ این وعده‌ی قرآنی است و تجربه‌ی دوران اسلام هم این را نشان داده!

هرچه ما به قرآن نزدیکتر شویم، هرچه عمل قرآنی در میان ما - چه در روح ما، چه در اعمال جسمانی ما، چه در فرد ما، چه در اجتماع ما - بیشتر شود، به سعادت، به حل مشکلات و معضلات نزدیکتر میشویم.

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا؛ همانا این قرآن به استوارترین راه، هدایت می‌کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برایشان پاداش بزرگی است.»<sup>۷۸</sup>

قرآن هدایت میکند مردم را بطریقه حقه اثنی عشریه و دین قویم اسلام که راست‌تر و درست‌ترین مذاهب و ادیان است و بشارت میدهد اهل ایمان را که اعمالشان شایسته و بر طبق دستور پیغمبر و امام است بآنکه برای ایشان است در آخرت ثوابی که برتر است از دنیا و ما فیها و نیز بشارت میدهد ایشانرا بآنکه برای کسانی که ایمان نمی‌آورند بروز جزا خداوند مهیا فرموده است در آنروز عذاب الیم را تا موجب خوشنودی ایشان شود از آنکه دشمنانشان معذب خواهند بود...

زندگی معمولی انسان‌ها همواره با فشارهایی همراه بوده که انسان خود مسبب آن است. همه انسان‌ها در هر موقعیتی که هستند خواهان آسایش و زندگی معمولی و بی‌دغدغه هستند؛ اما همراه شدن زندگی انسان‌ها با اضطراب‌ها، افسردگی‌ها و دلخوری‌ها، انسان را از هدف زندگی دور ساخته است. زندگی به نوبه خود به پازلی سخت و پیچیده می‌ماند؛ حال اگر انسان خود بر این سختی و پیچیدگی بیفزاید دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند. به‌طور معمول انسان در طول زندگی پیوسته به فردا یا اشتباه‌هایی که در گذشته انجام داده فکر کرده و سعی نمی‌کند در زمان حال زندگی کند. همین موضوع مقدمه بروز دغدغه‌ها و افسردگی‌ها در زندگی می‌شود. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «إذا التبست علیکم الفتنة، كقطع الليل المظلم فعليکم بالقرآن؛ هنگامی که فتنه‌ها، همچون پاره‌های شب تاریک، شما را در خود پیچید، بر شماست که به قرآن تمسک جوید». این روایت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) انسان را رهنمون می‌کند که در هنگام مواجهه با فتنه‌ها و سختی‌ها به قرآن پناه برد. قرآن بهترین

<sup>۷۳</sup> . سخنان رهبری در جمع جوانان استان خراسان شمالی

<sup>۷۴</sup> .مائده آیه ۱۶

<sup>۷۵</sup> .بیانات در سخنرانی تلویزیونی ۱۳۹۹/۲/۶

<sup>۷۶</sup> .بیانات در ۱۳۹۱/۴/۳۱

<sup>۷۷</sup> .همان

<sup>۷۸</sup> .اسراء، آیه ۹

<sup>۷۹</sup> .محمد، ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، تهران، برهان، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۳۴۶

<sup>۸۰</sup> .محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۵۹

گفتار است، چون گفتار خدا است و از علم و قدرت بی‌نهایت او سرچشمه یافته است، لذا سبک زندگی مبتنی بر آموزه های قرآنی بهترین سبک زندگی است.

## زندگی جهادی

جهاد مفهومی خاص، به معنای تلاشی همراه با مجموعه‌ای از ارزش‌هاست. در اینجا صرف تلاش مطرح نیست، بلکه تلاش با یک مفهوم مقدس همراه است.<sup>۸۱</sup>

وجود جهاد و فرهنگ جهادی یکی از ضروریات لاینفک فرد و جامعه اسلامی است، رهبر معظم در این باره می‌فرماید: آنجایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می‌شود و خود را فراموش می‌کند. این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد.<sup>۸۲</sup>

هم چنین می‌فرماید: این کار اردوهای هجرت و حرکت عظیم بسیج سازندگی یکی از برکاتش خدمت‌رسانی است که میلیونها نفر از این خدمت شما به صورت مستقیم بهره‌مند میشوند. از لحاظ مادی، از لحاظ امور روزمره‌ی زندگی، از لحاظ معنوی و هدایت، بهره‌مند میشوند. شما اگر درس قرآن هم آنجا ندهید، خود حضور یک جوان مؤمن و متدین و متشرع در یک مجموعه‌ی روستائی، در بین جوانان، در بین مردم، مظهر مجسم آیه‌ی قرآن است؛ آنها را به دین، به انقلاب، به معنویت، سوق میدهد. «کونوا دعاة الناس بغير السننکم»؛ شما با عمل خودتان مردم را به ایمان، به اسلام، به دین دعوت میکنید. این خدمت‌رسانی است؛ خدمت‌رسانی مادی و خدمت‌رسانی معنوی.<sup>۸۴</sup>

خداوند کریم در قرآن مجید در خصوص دعوت و عمل می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ چه کسی خوش‌گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از مسلمانانم»<sup>۸۳</sup>

گرچه گروهی از مفسران این اوصاف را تطبیق بر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یا پیامبر، و امامانی که دعوت به سوی حق می‌کردند، و یا خصوص مؤذن‌ها کرده‌اند، ولی پیدا است آیه مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که تمام منادیان توحید را که واجد این صفاتند فرا می‌گیرد، هر چند برترین مصداقش شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است (به خصوص با توجه به زمان نزول آیه) و در درجه بعد ائمه معصومین و بعد از آن‌ها تمام علماء و دانشمندان و مجاهدان راه حق و آمرین به معروف و ناهین از منکر و مبلغان اسلام از هر قشر و گروه هستند، و این آیه بشارتی است بزرگ و افتخاری است بی‌نظیر برای همه‌ی آن‌ها، که می‌توانند به آن دلگرم باشند.<sup>۸۶</sup>

در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نیز آمده: «أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّنَنِ لِيُرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَ الْأَجْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ الْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛ مردم را بدون زبان (بلکه با عمل) به سوی خدا بخوانید تا از شما سخت‌کوش در راه دین، راستی، حریم‌نگهداری برای خدا را ببینند».<sup>۸۷</sup>

سبک زندگی جهادی، تفکری است که باعث می‌شود انسان با انتخاب و آگاهی برای رسیدن به یک هدف متعالی، حرکت مجاهدانه خود را آغاز کند و تمام همت خود را در این راه به کار گیرد و در عرصه عمل در جهت خدمت‌رسانی گام بردارد.

<sup>۸۱</sup> میثم، عمرانی، «عرصه های جهاد اقتصادی»، دو هفته نامه پگاه حوزه، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۸.

<sup>۸۲</sup> بیانات در ۱۳۸۲/۱۰/۱۴

<sup>۸۳</sup> محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۸

<sup>۸۴</sup> بیانات در ۱۳۸۹/۶/۳۱

<sup>۸۵</sup> فصلت، آیه ۳۳

<sup>۸۶</sup> ناصر، مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳، ج ۲۰، ص ۲۷۸

<sup>۸۷</sup> محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۷۸

## زندگی شهادتی

یکی از سبک‌های زندگی که مبتنی بر فرامین الهی و عامل سعادت بشر است، سبک زندگی شهادتی می‌باشد که بر پایه‌ی ایثار، فداکاری، جان باختن در راه ارزشها و احکام اسلامی است. احیای معنویت فلسفه شهادت در انقلاب اسلامی، الگوی احیاء شده این ایثار در فرهنگ سیاسی شیعه می‌باشد. فرهنگ سیاسی دینی انقلاب اسلامی تبلور عینی ایثار و فداکاری است. از خودگذشتگی و شهادت در راه خدا از مفاهیم اساسی معنویت‌گرایی محسوب می‌شود که به منزله سمبل تحقق آزادی از قید و بند و اسارت است.<sup>۸۸</sup>

رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: من عقیده‌ی راسخ دارم بر اینکه یکی از نیازهای اساسی کشور، زنده نگه داشتن نام شهدا است؛ این یک نیازی است که ما - چه آدمهای مقدس‌مآب و متدینی باشیم؛ چه آدمهایی باشیم که خیلی هم مقدس‌مآب نیستیم، اما به سرنوشت این کشور و به سرنوشت این مردم علاقه‌مندیم - هر جور که فکر بکنید، بزرگداشت شهدا برای آینده‌ی این کشور، حیاتی و ضروری است. فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ تلاش کردن با سرمایه‌گذاری از خود برای اهداف بلندمدت مشترک بین همه‌ی مردم؛ که البته در مورد ما آن اهداف، مخصوص ملت ایران هم نیست، برای دنیای اسلام بلکه برای جهان بشریت است. این فرهنگ در جامعه‌ای اگر جا افتاد، درست نقطه‌ی مقابل فرهنگ فردگرایی غربی امروز [است] که همه‌چیز را برای خود و با محاسبه‌ی شخصی می‌سنجند؛ برای همه‌چیز یک قیمت اسکناسی و پولی فائند و آن، به دست آوردن آن پول است؛ این درست نقطه‌ی مقابل آن فرهنگ است.<sup>۸۹</sup>

سبک زندگی اسلامی در رفتار رزمندگان ما و شهدای ما یک چیز برجسته‌ای است که واقعاً نمیشود از این صرف نظر کرد. آن قدر نکته‌ی الهام‌بخش در زندگی این شهیدان وجود دارد که واقعاً جا دارد یک تصویر هنرمندانه‌ای از این وضعیت را هنرمندان ما به دنیا نشان بدهند، و رزمنده‌ی ایرانی را بشناسانند به دنیا و با کارهای هنری و بزرگ در مقابل چشم مردم دنیا قرار بدهند.<sup>۹۰</sup> شهیدان به ما می‌گویند: وَبَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ «این راه، راهی است که خوف و حزن ندارد، ترس و اندوه ندارد؛ راه خدا است دیگر؛ در این راه بایستی ثابت‌قدم بود، در این راه بایستی با قدرت حرکت کرد، در این راه باید با وسوسه‌های دشمنان متزلزل نشد. ملت ایران با شنیدن پیام شهیدان باید اتحاد خود، اتفاق خود، انگیزه‌ی خود، تلاش خود را بیشتر کند؛ پیام شهیدان به ما این است. مسئولین جمهوری اسلامی با شنیدن پیام شهیدان در این بزرگداشتها، بایستی احساس مسئولیت بیشتری نسبت به آن امنیتی بکنند که این شهدا برای ما فراهم کردند و در اختیار ما گذاشتند؛ همه باید احساس مسئولیت بکنند و همه هم توجه بکنیم که بدون تلاش، بدون مجاهدت فی سبیل‌الله، بدون تحمل بسیاری از سختی‌ها هیچ ملتی به جایی نمیرسد؛ حالا [برای] ما هم اگر چنانچه سختی‌هایی هست، ان‌شاءالله تحمل این سختی‌ها ملت ایران را به اوج خواهد رساند، به قلّه خواهد رساند.<sup>۹۲</sup>

ایثار و شهادت با ظلم ستیزی و مبارزه با تجاوز عجین است. اگر چه ظلم ستیزی و مبارزه با متجاوزان اختصاص به قوم و ملتی خاص نداشته و مشترک بین همه ادیان آسمانی و زمینی و ملت‌ها در جوامع مختلف بشری در طول تاریخ بوده و ظلم ستیزی را امری ضروری و مقدس دانسته و برای چشیدن طعم آزادی و استقلال از بذل جان خود دریغ نکرده‌اند، اما در فرهنگ اسلامی ظلم ستیزی و مبارزه با طاغوتیان و ستمگران امری الهی بوده و در قالب ایثار و شهادت مطرح می‌گردد. از منظر قرآن کریم و طبق معارف و تعالیم دین مبین اسلام، مفهوم ایثار و شهادت در قالب تکلیف مطرح شده و با پیروزی قطعی همراه است. در نگاه اسلام، مسلمان مجاهد چه بر دشمن غلبه کرده و موفق به پیروزی ظاهری بشود و چه به دست دشمن کشته شود در هر دو صورت پیروز میدان نبرد است و نتیجه را خداوند آن گونه که مصلحت بداند رقم خواهد زد.

<sup>۸۸</sup> . جواد، منصوری و دیگران، "انقلاب اسلامی و معنویت‌گرایی"، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، ۲، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵.  
<sup>۸۹</sup> .بیانات در دیدار اعضای ستادهای "کنگره شهدای امور تربیتی"، "کنگره شهدای دانشجو" و "کنگره شهدای هنرمند"، ۱۳۹۰/۱۱/۲۷.

<sup>۹۰</sup> .بیانات در ۱۴۰۰/۸/۳۰

<sup>۹۱</sup> .آل عمران، آیه ۱۷۰

<sup>۹۲</sup> .بیانات در ۱۴۰۰/۸/۳۰

قرآن کریم در این باره می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، پس (بر این عقیده) مقاومت نمودند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند (و می گویند): نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به بهشتی که پی در پی وعده داده می شدید.»<sup>۹۳</sup>

مقاومت و حماسه آفرینی بدون معنویت ممکن نیست. فقط یک چیز است که می تواند در شرایطی چون شکنجه و شلاق و زیر آتش توپخانه دشمن بودن به انسان تاب و توان دهد و آن ایمان به غیب است که از دل آن قدرت معنوی تولید می شود. در اینگونه مواقع دیگر شعارهای سیاسی، ژست های انقلابی، سخنرانی، دکلمه و ... کارگر نیست چون این ها مال وقتی است که دیگران هم هستند؛ این جا فقط انسان می ماند و آنچه که از قبل برای خودش فراهم کرده و ریشه در دل و جان او دارد و آن عبارتست از عقاید و اعمال خالصی که منجر به نورانیت و معنویت در فرد شده است.<sup>۹۴</sup>

بنابراین فرهنگ ایثار و شهادت یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین مؤلفه های منحصر به فرد انقلاب اسلامی در سبک زندگی است و سبک زندگی مبتنی بر ترویج روحیه شهادت طلبی و ایثار و زنده نگه داشتن نام شهداء همواره مورد تأکید رهبر انقلاب بوده و ایشان بدان توجه داشته اند.

### نتیجه گیری

تحلیل و واکاوی شاخصه ها و اقسام سبک زندگی از دیدگاه رهبری نه تنها دیدگاه های عمیق و هدفمند ایشان نسبت به مقوله سبک زندگی را روشن می سازد، بلکه اهمیت این موضوع را در بُعد فردی و اجتماعی نشان می دهد. سبک زندگی از منظر رهبری با تأکید بر ارزش های اسلام، به عنوان عاملی مؤثر در سازمان دهی فرهنگی و اجتماعی جامعه مطرح شده است. رهبری با تبیین شاخصه های مشخصی همچون ارزش های اخلاقی و امور معنوی، متعهد بودن، امانت دار بودن و حفظ استقلال فرهنگی سعی در ترسیم الگویی جامع از سبک زندگی صحیح داشته اند.

ایشان با تأکید بر اصول و ارزش های اخلاقی و معنوی، نه تنها به ارتقای کیفیت زندگی فردی توجه نموده اند، بلکه انسجام و استحکام جامعه را نیز در نظر گرفته اند. این تأکید بر سبک زندگی به عنوان بخشی از راهبرد کلان فرهنگی کشور، نشان دهنده اهمیت بالای این موضوع در نیل به اهداف و آرمان های ملی است.

در نتیجه، این پژوهش با روشن سازی نگاه رهبری به سبک زندگی، فرصتی را فراهم می آورد تا سیاست گذاران، برنامه ریزان فرهنگی، و جامعه شناسان با استناد به این دیدگاه ها، راهبردهایی مؤثر و کارآمد در جهت بهبود و ارتقای فرهنگی و اجتماعی جامعه تدوین کنند. پیاده سازی و ترویج الگوهای صحیح سبک زندگی می تواند به رشد و تعالی فردی و اجتماعی منجر شود و زمینه ساز توسعه پایداری باشد که در آن همه ابعاد زندگی مورد توجه قرار گیرد.

<sup>۹۳</sup> فصلت، آیه ۳۰

<sup>۹۴</sup> رحیم پور ازغدی، روزنامه پرتو، ۱۲ اسفند ۱۳۸۸



## منابع

\* قرآن کریم

- [۱] ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، بی جا، دار الحدیث، ۱۳۹۳
- [۲] اسحاقی، حسین، ارمغان انقلاب: تلخیصی از نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی، قم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۶
- [۳] ابن عاشور، محمد طاهر، التحرير والتنوير، بيروت، التاريخ العربي، ۴۲۰ ق
- [۴] انصاری، علی رضا، «دستاوردهای اخلاقی و معنوی انقلاب اسلامی»، ره توشه، ش ۴، ۱۳۹۹
- [۵] بحرانی، کمال الدین میثم علی بن میثم، شرح نهج البلاغه، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵
- [۶] بیانات رهبری در مناسبات مختلف
- [۷] ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، تهران، برهان، ۱۳۹۸
- [۸] جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، بیروت، دار العلم، ۱۴۰۷ ق
- [۹] دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- [۱۰] دلیر، بهرام، "ویژگی کارگزاران در حکومت نبوی"، مجموعه مقالات سیره سیاسی پیامبر، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶
- [۱۱] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، بی جا، مرتضوی، ۱۳۸۸
- [۱۲] زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق
- [۱۳] شریفی، احمد حسین، همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی/اسلامی)، قم، معارف، ۱۳۹۱
- [۱۴] طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۷
- [۱۵] طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ق
- [۱۶] عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳
- [۱۷] عمرانی، میثم، «عرصه های جهاد اقتصادی»، دو هفته نامه پگاه حوزه، ۱۳۷۸
- [۱۸] فیض کاشانی، مرتضی، الشافی فی العقائد و الاخلاق و الاحکام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۹
- [۱۹] فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، قاهره، احیاء التراث الاسلامی، بی جا
- [۲۰] قرآنتی، محسن، تفسیر نور، تهران، درس هایی از قرآن، ۱۳۹۱
- [۲۱] کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱
- [۲۲] کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸
- [۲۳] گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷
- [۲۴] مهدوی کنی، محمدسعید، «دین و سبک زندگی»، پژوهشنامه جامعه، ۱۳۸۶
- [۲۵] موسوی خمینی، روح الله، سر الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام (رحمة الله)، ۱۳۸۸
- [۲۶] مجلسی، محمدباقر، سفینه البحار، بی جا، کوثر، ۱۳۸۸
- [۲۷] مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمة الله)، نشریه معرفت، قم، ش ۷۶، ۱۳۸۳
- [۲۸] منصوری، محمد جواد، فرهنگ استقلال توسعه، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴
- [۲۹] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳
- [۳۰] منصوری و دیگران، جواد، "انقلاب اسلامی و معنویت گرای"، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۲، ۱۳۸۱